

# خانه ابری نیما

نگاهی به کتاب:

خانه ام ابری است، شعر نیما از سنت تا تجدد

● دکتر محمد جعفر یاحقی

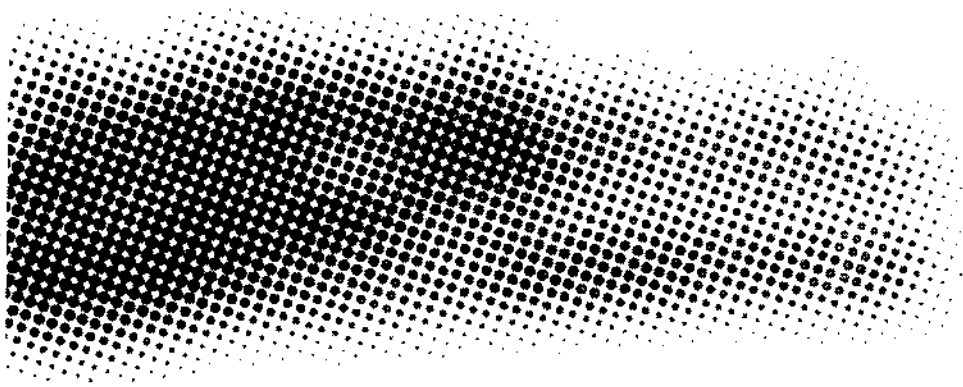
شعر نیمایی امروز به آن مرحله از کمال و جاافتادگی و آزمودگی در مسیر نقد و نظرهای موافق و مخالف رسیده است، که دیگر بتوان با اطمینان و بی‌سودای نام و نان به بررسی و نقد علمی و تاریخی آن پرداخت. اگر این کار برای شعر نیمایی به‌طور کلی، به دلایلی که گفتیم، شدنی و بایسته باشد برای خود نیما که قافله‌سالار است و زمان درازتری از تولد شعرش می‌گذرد شدنی‌تر و لازم‌تر خواهد بود، به‌ویژه که به دلیل پیش‌قدمی و شیخوخیت حرفه‌ای بیشتری هم در مورد او گفته‌اند، و به سخن دیگر در کوره نقد و نظرها پخته‌تر و آبدیده‌تر و جاگیرانه‌تر هم شده است. سخن از نیما، به‌ویژه برای جانبداران شعر وی و نواندیشان، البته از یک آفت بسیار مهم و نظرگیر و غلط‌انداز نیز بکلی برکنار نیست. این آفت همانا سرسپردگی و عصمت‌اندیشی و در یک کلام "کیش شخصیت"، یعنی آفت عمومی فرهنگ و جامعه ماست که جامعه‌شناسان ریشه آن را در تفکر ایلی حاکم بر تاریخ ایران می‌دانند.<sup>(۱)</sup> به دلیل همین آفت است که بسیاری حرفها نگفته می‌ماند و شماری از نیاسته‌ها بایسته وانمود می‌شود. آنها که به نیما پرداخته‌اند اغلب به فرموده مولا علی (ع) یا "مبغض قال" بوده‌اند یا "محبّ قال" که گوش و دیده هر دو در مسیر حقیقت‌بینی کر و کور مانده است، بکم عمی فهم لا یعقلون. والیمین والیسار مضله و طریق الوسطی هی الجاده. خانه ام ابری است، ریخته اندیشه و قلم ادبیات‌شناس فروتن و فرهیخته دکتر تقی پورنامداریان از آن معدودهایی است که به "طریقی وسطی" بسیار نزدیک شده است. دیری است در مورد نیما هرچه می‌بینم می‌خرم و می‌خوانم، از خریدن بسیاری زود پشیمان می‌شوم و برخی را در میانه خواندن به کناری می‌نهم تا فقط هنگام حاجت بدان مراجعه کنم، خانه ام ابری است از آنهایی بوده که به‌رغم سفر و مشغله و بی‌حوصلگی نخواستم یا نتوانستم به کناری بگذارم، حتی وقتی در میانه خواندن یکی از دانشجویانم - که کتاب را در کلاس آنها معرفی کرده بودم - خواست آن را از من به امانت بگیرد، درین امد تمام ناخوانده به‌طور موقت کتاب را از بالینم دور کنم. نیمه از کشتی که کتاب برای من داشت ناشی از دیدگاه متعادل و ناقدانه نویسنده بود و نیم دیگرش هم دقت و تأمل و حوصله او و لطفی که از شناخت بیشتر شعر و اندیشه نیما حس کرده بودم.

نیمی از کشتی که کتاب برای من داشت ناشی از دیدگاه متعادل و ناقدانه دکتر پورنامداریان بود و نیم دیگرش هم دقت و تأمل و حوصله او و لطفی که از شناخت بیشتر شعر و اندیشه نیما حس کرده بودم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



- دکتر تقی پورنامداریان
- تهران، سروش ۱۳۷۷
- با جلد شمیم: ۱۳۰۰۰ ریال
- با جلد گالینگور: ۱۶۵۰۰ ریال



به دست نمی‌آورند.

نکته شایسته در این میحث آن که نویسنده با روش خاص خود هم از نامگذاری شعرها در تفسیر و تأویلها خوب سود برده و هم به تاریخ سرودن شعرها و انطباق آن با روزگار شاعر به نیکی بهره گرفته است. همین جا لازم است بر اهمیت این دو نکته در برخورد با شعر معاصر تأکید و اشاره کنیم که این دو مشخصه یعنی نامگذاری شعرها (اعم از کوتاه و بلند) و به‌طور کلی ذکر تاریخ سروده شدن هر شعر، ساحت شعر و نقد معاصر را از ادبیات گذشته و سنتی فارسی ممتاز می‌کند و دو ابزار کارآمد برای نقد و تفسیر و تطبیق شعر معاصر در اختیار منتقد و مورخ قرار می‌دهد که برای آن بهایی نمی‌توان معین کرد. عنوان هر شعر، کلید فهم آن است و تاریخ آن علاوه بر این که در مسیر تکامل اندیشه شاعر مفید واقع می‌شود پنجره‌ای به تأویل و تفسیر تاریخی شعر می‌گشاید، که اگر نبود این پنجره به روی ناقد و خواننده بسته می‌ماند. ای کاش نویسنده خانم ابری است ملاک انتخاب خود را برای تفسیر و تأویل اشعار بمانند گزیده‌ها برمی‌شمرد و ما می‌دانستیم که مثلاً این اشعار به دلیل دشواری و نکته‌داری بودن برای تفسیر انتخاب شده است یا به علت شهرت و نیازی که همگان به فهم آنها دارند!

خانم ابری است جایگاه خود را نزد جویندگان و ناقدان ادب معاصر باز خواهد یافت. نویسنده پس از ویرایش جدید سفر در مه و برخی نقد و نظرهای پخته و حساب‌شده، که یکی از آخرینهایش مرور وی بر مجموعه‌های تازه انتشار شفیعی کدکنی بود،<sup>(۱)</sup> اینک؛ این کتاب در صف مقدم ناقدان و ادب‌شناسان معاصر قرار می‌گیرد. با دانش و مایه ادبی و با فروتنی و اعتدالی که در وی سراغ داریم، اگر در تاس لغزنده تدریسهایی بی‌سرنجام و اندیشه نیفتد؛ انتظار می‌رود که باز هم کارهای شایسته‌ای از این دست و برتر از آن به خامه وی بر بساط کم‌رونق کتاب بنشینند. که چنین یاد! □

یادداشتها:

۱- رک: علی رضاقلی، جامعه‌شناسی نجف کشی، تهران، نشر نی ۱۳۷۷، ص ۳۲ به بعد.

۲- تقی پورنامداریان، سیری در هزاره دوم اهوی کوهی، کیان ۴۶ (خرداد و تیر ۱۳۷۷) ص ۶۴ به بعد. □

آن آشنا می‌شود. در این فصل هم بسیاری از نکته‌ها در سرگذشت نیما و به عبارتی در سلوک شعری و کاروند او بر خواننده روشن می‌شود. "مسئله زبان در شعر نیما" بحثی کاملاً فنی و بدیع است، که هرچند عموماً از مصطلحات و برساخته‌های دیگران، به‌ویژه شفیعی کدکنی بسیار استفاده شده، با این حال رنگ و بو و حال و هوای خاص نویسنده را هم؛ که می‌رود به سبک و شیوه خاصی منتهی شود، در خود باز نموده است. این فصل البته ممکن است برای خواننده مبتدی و غیرادب‌دان، به دلیل ناآشنایی با مقوله‌های فنی کار، چندان دلپذیر نباشد. گرانگاه کتاب بخش "مسئله معنی در شعر کهن و شعر آزاد نیما" است که هم از تازگی و کارآمدگی لازم برخوردار است و هم به برخی معضلات و گرفتگیهای شعر آزاد نیمایی پاسخ می‌دهد. کسانی که با شعر نیمایی کمتر مأنوسند عموماً در برخورد با آن دو مشکل دارند: به گوش نشستن و بعد هم سردر نیاوردن. با بحثی دقیق و مقایسه‌ای که در این فصل از کتاب پیش کشیده شده است جوینده کنجکاو و جویا راز این دو مشکل را گشوده می‌بیند. بخصوص که نویسنده توانسته است با آوردن مثالهایی ملموس و معروف از شعر کهن آرام آرام خواننده را با نوع پیچیدگیهای شعر نیمایی و تمییراتی که در مسیر تحول اندیشه از قالب به معنی صورت گرفته آشنا کند. چنین بحثی، به‌ویژه با این مایه وقوف و وضوح، تا آن جا که من دیده‌ام در مورد گره‌گشایی و ارائه شیوه‌هایی برای فهم شعر نیمایی صورت نگرفته است.

فصل "گزیده‌ها" را نویسنده از آن رو آورده است تا خواننده کتاب که در طول مباحث به اشاره‌هایی به این اشعار برخورد می‌کند، اصل آن را برای خواندن و آزمودن در اختیار داشته باشد. بخش "تفسیر و تأویل شعرها"، هرچند کاری بدیع و بی‌نمونه نیست اما برای تکمیل مباحث پیشین و کمک به جویندگان فهم ادبیات معاصر بسیار سودمند است. در این بخش نویسنده با رمزگشایی و بسط موضوعات و اشارات مندرج در هر شعر به زندگی و روزگار شاعر قدم مهمی به سوی روشنی‌ها، که عبارت باشد از فهم و تفهیم شعر نیمایی برداشته است. براساس این فصل از کتاب و یا با الهام از آن می‌توان فرهنگ اصطلاحات و رموزاره‌های شعر نیما را گردآورد، کاری که برخی شتابزده و بی‌توجه به چنین دریافته‌ها و شناخته‌هایی می‌کنند و کامیابی چندانی

برای خواننده این یادداشتها که احتمالاً از دور دستی بر آتش دارد، مروری بر مندرجات کتاب می‌تواند سودمند باشد و تصویری از آن را، هر چند مجمل و کلی پیش روی او بگذارد. کتاب غیر از مقدمه و نگاهی گذرا به زندگی نیما پوشیخ، سه فصل عمده و کارگشا دارد با عناوین "صورت و محتوا در شعرهای نیما"، "مسئله زبان در شعرهای نیما" و "مسئله معنی در شعر کهن و شعر آزاد نیما". و پس از آن در دو بخش جداگانه تحت عناوین "شعرهای برگزیده" و "تفسیر و تأویل شعرها" اشعار و قطعاتی از نیما با ملاکهای دوگانه عمق و اشتها برگزیده و نقل شده است. و بعد هم چند شعر را بدون این که ملاکی برای کار ذکر شود، به تفسیر و تأویل گرفته است. البته فصل بندی کتاب به گونه‌ای نیست که من برشمرم. بلکه نویسنده با کم‌توجهی به شیوه تبویب و تأثیری که از این رهگذر می‌توانسته است بر خواننده کنجکاو و فنی و زیباشناس بگذارد، مقدمه و همه فصول و مطالب، حتی منابع و فهرستهای کتاب را هم پیایی به عنوان فصل شماره گذاشته و در نتیجه برای کتاب خود ده فصل تدارک دیده است. این سهل‌انگاری و کم‌توجهی نسبت به فصل بندی، صفحه‌آرایی و اصول کتاب‌نویسی هر دیگر آثار نویسنده دانشمند کتاب هم دیده می‌شود، که به گمان ناقص بنده، با توجه به تجربه ناچیزی که در کار کتاب دارم، قدری به تمامیت و جامعیت کار مؤلفان. آسیب می‌رساند. این کتاب با رسالتی که دارد، می‌توانست بسیار زیباتر، آراسته‌تر و در نتیجه خواندنی‌تر از کار درآید، نگویید این جنبه‌های کار به ناشر مربوط می‌شود، می‌شود، اما اگر ناشر نکرد یا متوجه نبود تکلیف بر دوش نویسنده و آفرینشگر اثر باقی می‌ماند، درست مثل یک واجب کفایی، طرح کتاب هم از این قاعده بیرون نیست. نویسنده به لحاظ فنی و علمی ملزم است تا پایان کار با اثر خود باشد و گام به گام مراحل تولید و تولد آن را دنبال کند.

بحث مقدمه و آنچه در سرگذشت کاری نیما آمده است، هرچند در نگاه نخست مکرر می‌نماید از نکته‌ها و سودمندیهایی چند خالی نیست، به‌ویژه برای خواننده ناآشنا یا کم‌آشنا که بالاخره می‌خواهد از این کتاب و کاری که نیما کرده است، طرفی بریندد و یاری دیدگاهی به دست آورد. در میحث بعد یعنی "صورت و محتوا در شعرهای نیما" خواننده قدم به قدم ابتدا با قطعات سنتی و بعد هم با شعرهای آزاد نیما و سیر کمالی و شکل‌گیری